



رسیدگی به تخلفات و جرایم بورس و اوراق بهادار در ایران و امارات متحده عربی

محمد کمالی^۱
ناصر قاسمی^۲
بهزاد رضوی فرد^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

چکیده

همچنان که شناسایی تخلفات و جرایم در بورس اوراق بهادار دارای اهمیت می‌باشد در مرحله بعد از آن نیز فرآیند و نحوه رسیدگی به این گونه تخلفات و جرایم حائز اهمیت می‌باشد زیرا با شناسایی نقطه ضعف و قوت در رسیدگی به این امور است که می‌توان به اثر بخشی آن پی برد. در رسیدگی به اختلافات موجود در بازار هیئت داور و در بخش تخلفات کمیته رسیدگی به تخلفات و در حوزه جرایم مراجع قضایی رسیدگی کننده می‌باشند. این تحقیق بر آن است تا فرآیند رسیدگی به تخلفات و جرایم بورس و اوراق بهادار در ایران و امارات متحده عربی مورد نقد و بررسی قرار داده و نقاط قوت و ضعف آن را مورد ارزیابی قرار دهد. اصولاً نظام رسیدگی به تخلفات و جرایم مربوط به بورس اوراق بهادار به منظور حمایت موثر از این ضمانت‌ها در کشورهای مختلف دارای اهمیت بسزایی است، که در این میان، مطالعه تطبیقی نظام رسیدگی به جرایم و تخلفات در ایران و امارات متحده عربی موضوع پژوهش است.

کلید واژه‌ها

تخلفات بورس، جرایم بورس، اوراق بهادار، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی امارات

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.
Email: mohammadkamalish@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم انسانی، دانشکده حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی (نویسنده مسئول).
Email: dr.ghasemi76@gmail.com

^۳ دانشیار گروه علوم انسانی، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
Email: razavifard@atu.ac.ir

۱- مقدمه

برحسب قانون دادرسی رسیدگی به جرایم، پیرو گزارش تخلف از سوی ادارات نظارتی سازمان و به اقتضای موضوع تخلف، شخص متخلف به مراجع مختلف دادرسی رسیدگی، ارجاع می‌شود. مراجع دادرسی رسیدگی به جرایم شامل کمیته و هیأت رسیدگی به تخلفات، هیأت مدیره تشکل‌های خود انتظام و هیأت مدیره سازمان است.

دادرسی رسیدگی به اختلافات مالی یا انضباطی مانع از پیگیری جنبه‌های کیفی آنها از طریق مراجع قضایی نیست و مراجع رسیدگی مطابق تبصره ماده ۱۶ دستورالعمل دادرسی رسیدگی به تخلفات اشخاص ماده ۳۵ قانون بازار، در صورت کشف یکی از جرایم موضوع قانون بازار اوراق بهادار در جریان رسیدگی، مراتب را به معاونت حقوقی سازمان گزارش می‌دهند. همزمان با رسیدگی‌های انضباطی به گزارش‌ها، نسخه‌ای به همراه ادله و مستندات مربوط، جهت پیگیری جنبه‌های کیفی به معاون حقوقی سازمان ارسال می‌شود.

مطابق ماده ۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شعب خاصی برای دادرسی رسیدگی به تخلفات و جرایم اصل ۴۴ و قانون بازار اوراق بهادار باید منحصرأ به شکایت و دعاوی این دو موضوع رسیدگی کند که تاکنون از تشکیل آن اطلاعی به دست نیامده است. در این خصوص باید میان جرم، اختلاف و تخلف تفاوت قائل شد.

همچنین مطابق ماده ۸ قانون شماره ۹ مصوب ۲۰۰۴ مناطق آزاد و تجاری امارات متحده عربی دادگاه‌هایی در مرکز برای دادرسی رسیدگی به جرایم تشکیل شده که به طور مستقل بوده و حق جذب و استخدام کارشناس و پرسنل را دارد. مطابق قوانین موضوعه، علاوه بر اتخاذ تصمیم حق تفسیر هم دارد.

فرآیند دادرسی رسیدگی به جرایم در امارات متحده عربی نیز همانند کشور ایران در صورت تشخیص جرم توسط هیأت نظارت و یا در صورت مراجعه و شکایت اشخاص دادخواستی همراه با کلیه مستندات تسلیم خواهد شد که مورد بررسی قرار گرفته و جهت داوری ثبت می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با توجه به اهمیت سازمان بورس و اوراق بهادار و تنوع جرایم و تخلفات مربوطه در دو کشور در یک دسته بندی آنها را بیان نموده‌اند که البته این دسته بندی در دو کشور مشابه بوده و هر دو کشور موارد مذکور را جرم دانسته و برای دادرسی رسیدگی به آنها مجازاتی را در نظر گرفته است.

بدون تردید تلاش مسولان مربوط در کشورهای گوناگون برای توسعه تضمینات دادرسی مبتنی بر رویکرد تأمین امنیت و زوال ترس ناشی از ارتکاب جرایم در بورس و اوراق بهادار همراه با یک دادرسی معقول و منطقی و تضامین سایر حقوق شرکت‌ها است. بنابراین، به دلیل سیاست و قوانین متفاوت قانونگذاری در مورد میزان و کیفیت تضمینات دادرسی ناظر در جرایم بورس و اوراق بهادار، بررسی سیاست در قبال جرایم بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در قبال جرایم بورس و اوراق بهادار

امارات متحده عربی در زمینه جرایم مالی و تخلفات و وجوه افتراق آن قابل بررسی است. از این رو با شناسایی جرایم بورس و اوراق بهادار به عنوان گام اول و اتخاذ سیاست مناسبی در دادرسی‌ها و رسیدگی به اینگونه جرایم و شناخت نقاط قوت و ضعف، قانون اساسی، عرف و عقل در راستای منافع ملی و حمایت کننده از اقتصاد پویا منظور اصلی این پژوهش است. در پی پاسخ گویی به این سوالات هستیم: اصول مهم دادرسی در رسیدگی به جرایم مربوط به بورس اوراق بهادار در حقوق ایران و امارات متحده عربی کدام اند؟ آیا دادرسی در رسیدگی به جرایم مقرر در قانون بازار اوراق بهادار ایران و امارات متحده عربی نسبت به اهمیت جرم، بازدارندگی مؤثری دارد؟ راهکارهای پیشگیری از جرایم در بازار بورس و اوراق بهادار ایران چیست؟

۲- شروع به رسیدگی به جرائم و تخلفات در نظام حقوقی ایران و امارات متحده عربی

برای شروع اقدامات حقوقی در امارات، شکایت باید در دادگاه صالح مطرح گردد. تمام اسناد ارائه شده به دادگاه و همچنین خود دادخواست باید به زبان عربی بوده و یا توسط یک مترجم رسمی به عربی ترجمه شده باشند. سپس دفتر ثبت دادخواست ها، دادخواست مطروحه علیه خوانده را ثبت کرده و تاریخ اولین جلسه رسیدگی را تعیین می‌نماید. به نتیجه رسیدن دعاوی در دادگاه بدوی معمولاً بین ۲ الی ۱۶ ماه به طول خواهد انجامید.^۱

با تصویب قانون بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴ و تشکیل سازمان بورس و اوراق بهادار، مدیریت امور حقوقی و انتظامی بر اساس مصوبه هیأت وزیران (مورخ ۱۳۸۵/۰۹/۰۸ مربوط به تشکیلات سازمان بورس و اوراق بهادار)، به عنوان مجری ماده ۵۲ و بندهای ۸ و ۱۱ ماده ۷ آن قانون و با هدف طرح شکایات و پیگیری آنها در مراجع قضایی و در راستای پیشگیری از وقوع جرایم و تخلفات و حمایت از حقوق سرمایه گذاران تشکیل شده است. بر اساس وظیفه مقرر در این ماده قانونی، مدیریت امور حقوقی و انتظامی مکلف است تا در صورت برخورد با جرایم موضوع فصل ششم قانون مزبور، حسب مورد موضوع را از طریق مراجع قضایی به عنوان شاکی یا اعلام کننده جرم پیگیری نماید.^۲

در ماده ۲ دستورالعمل اجرایی فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۷/۲۲ هیأت مدیره سازمان بورس نیز به این موضوع اشاره شده که معاونت حقوقی و به طور خاص مدیریت امور حقوقی و انتظامی مکلف است «در صورت کشف و اطلاع از وقوع جرایم موضوع قانون، مستندات و مدارک مربوط به هر یک از جرایم را گردآوری نموده و به مراجع ذی صلاح تقدیم و نیز دستورات قضایی را اجرا نماید. «در همین راستا با وصول گزارش وقوع جرم از هر یک از ادارات نظارتی سازمان یا سایر اشخاص

^۱ وصول مطالبات در امارات، صص ۵-۳.

^۲ صابر نیا، مصطفی، ۱۳۸۷، ماهیت فقهی و حقوقی اوراق مشارکت، دانشگاه مفید

مرتبط با سازمان یا اطلاع این مدیریت نسبت به وقوع جرم به هر نحو ممکن، تحقیقات اولیه آغاز می‌شود. پس از مستند سازی پرونده ارجاعی به این مدیریت و بررسی جنبه‌های علمی و حقوقی پرونده و تطبیق عملیات و رفتار مادی مورد گزارش بر یکی از جرایم موضوع فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار، مراتب شکایت نزد مقام قضایی اعلام و پیگیری‌های لازم در دادسرا تا صدور قرار مجرمیت و با جلب به دادرسی و کیفرخواست، پرونده به دادگاه کیفری ارجاع و با صدور حکم نهایی در صورت اعتراض یکی از طرفین شکایت، پرونده به دادگاه تجدید نظر ارسال و رای قطعی صادر می‌شود.

در تمامی این مراحل نمایندگان حقوقی این سازمان، در کلیه جلسات رسیدگی شرکت کرده و به دفاعیات و لوائح تقدیمی توسط متهمان و وکلای آنها پاسخ مقتضی ارائه می‌دهند. پس از قطعیت حکم، پرونده به منظور اجرای رأی صادره به شعبه اجرای احکام دادرسی عمومی و انقلاب ارجاع و با همکاری نمایندگان حقوقی سازمان، به اجرا گذاشته خواهد شد.^۱

۳- درخواست رسیدگی به جرایم بورس و اوراق بهادار در نظام حقوقی ایران و امارات

مبادلات تجاری و اقتصادی در جوامع امروزی، معاملات سنتی را به سمتی سوق داده که انشعاب بازار به اقسام مختلف، از جمله تمایز بازارهای مالی از بازارهای واقعی (کالا و خدمات) را در پی داشته است. طبعاً قواعد حقوقی مترتب بر انواع معاملات تجاری نیز تحت الشعاع این تحولات قرار گرفته و نظام‌های حقوقی را بر آن داشته تا در کنار مسائل ماهوی حقوق بازار، قواعدی شکلی را نیز پیش‌بینی نمایند تا ضمن تسهیل امر تجارت، مجرای برای مقابله با ناهنجاری‌های احتمالی در عرصه ی بازار باشد. در این میان می‌توان اختلاف را در کنار جرم و تخلف، در شمار ناهنجاری‌ها به حساب آورد. قانون گذار ایران در قانون بازار اوراق بهادار و قانون برنامه ی سوم توسعه، دو هیئت داورى را پیش بینی کرده تا حسب مورد مرجع رسیدگی به این قسم از ناهنجاری‌ها باشند.

بنا به ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار، سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است عنوان شاکی مدارک و شواهد مربوط به جرایم را جمع آوری کرده و به مراجع قضایی اعلام نموده و حسب موضوع مورد را به پیگیری نماید. دادسرا و دادگاه عمومی کیفری مرجعی است که صلاحیت رسیدگی به جرایم و اتهامات در بازار بورس را دارد، حال آنکه اختلافات در حوزه بازار اوراق بهادار در مراجع اختصاصی غیر دادگستری چون هیأت داورى حل و فصل می‌گردند. بنابراین کاربران و اشخاصی که در اثر جرایم بورسی ضرر و زیان دیده باشند می‌توانند درخواست ضرر و زیان برای جبران خسارت به مراجع قضایی تسلیم نمایند. بر این اساس به موجب ماده ۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه همچنین اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قوه قضاییه مکلف گردید تا شعب ویژه‌ای به نام «شعبه اول بازپرسی

^۱ سازمان بورس اوراق بهادار، مدیریت امور حقوقی و انتظامی، صص ۴-۵.

دادسرای امور اقتصادی در مجتمع قضایی امور اقتصادی» برای رسیدگی به دعاوی و شکایات حاصل از تخلفات و جرایم در راستای اجرای قانون بازار اوراق بهادار تعیین نماید. اما در خصوص اتهامات، علاوه بر مرحله تعقیب جرایم در دادسرای ویژه، به اتهامات نیز در «دادگاه بدوی و تجدیدنظر مجتمع قضایی امور اقتصادی» رسیدگی می‌گردد.^۱

۴- روند دادرسی و رسیدگی به جرایم بورس و اوراق بهادار در نظام حقوقی ایران و امارات

در درخواست داوری تصمیم شماره (۷) سال ۲۰۰۰ در مورد سیستم داوری در اختلافات ناشی از تجارت در اوراق بهادار و کالاها امارات داوری باید به کمیسیون ارائه شود. درخواست‌های داوری به محض دریافت توسط سازمان از طریق مندرج در ماده (۴) این قانون به متهم اطلاع داده خواهد شد و سپس ظرف مدت (۱۵) روز از تاریخ ابلاغ خود نسبت به درخواست‌های شاکی دفاع خود را ارائه خواهد داد.^۲ پس از طرح اختلاف از سوی طرفین، کمیته داوری با تصمیم رییس شورا تشکیل می‌گردد تا وظیفه حل و فصل اختلافات بین فروشندگان در بازار را بر عهده بگیرد و به ریاست قاضی که وزیر دادگستری یا رییس آن را معرفی می‌کند، خواهد بود. سازمان باید اطلاعات را به صورت کتبی به طرفین ابلاغ کند و مهلتی را برای اظهار نظر در مورد فوق تعیین کند.

عزل داور برای هیچ یک از طرفین دعوا مجاز نیست مگر در مواردی که تردیدهای موجهی راجع به بی طرفی و استقلال داور ایجاد می‌کند، مانند خویشاوندی بازدارنده، پیگرد قانونی، تعامل آشتی یا نظر قبلی در مورد موضوع اختلاف، در همه موارد پس از صدور رأی کمیته یا پایان دادخواست و رسیدگی به دعوی ارائه شده به کمیته، درخواست استتکاف پذیرفته نخواهد شد.

کمیته وظیفه بررسی اختلافات را در صورت نیاز به عهده می‌گیرد و می‌تواند یکی از اعضای خود را تفویض کند یا از اداره امور حقوقی بخواهد. هر یک از طرفین اختلاف ممکن است ادعا کند که کمیته صلاحیت ندارد حداکثر تا زمانی که متهم دفاع خود را ارائه دهد. در مورد ادعای فراتر از اختیارات این کمیته، باید به محض طرح شدن موضوعی که ادعا می‌شود خارج از صلاحیت کمیته است، در طول مراحل داوری، مطرح شود. در هر دو حالت، کمیته در صورت موجه بودن تأخیر، ممکن است پرداختی را که پس از این تاریخ ارسال شده بپذیرد.

^۱ جلالیان، عسگر، شریفی، وحید، ۱۳۹۳، نظام حقوقی رسیدگی به تخلفات بورس در ایران، چاپ ۱، تهران: انتشارات دادگستر.

^۲ قرار رقم (۷) لسنة ۲۰۰۰ بشأن نظام التحکیم فی المنازعات الناشئة عن تداول الأوراق المالية والسلع، ترجمه تصمیم شماره (۷) سال ۲۰۰۰ در مورد سیستم داوری در اختلافات ناشی از تجارت در اوراق بهادار و کالاها در امارات، صص ۱۳-۲.

درخواست از دادگاه مدنی صالح به بررسی موضوع صلاحیت کمیته برای متوقف کردن مراحل داوری منجر نمی‌شود و کمیته می‌تواند با انجام این مراحل و تصمیم داوری اقدام کند. کمیته می‌تواند به هر یک از دو طرف، بنا به درخواست یکی از آنها، دستور دهد که اقدامات پیشگیرانه موقت را که برای موضوع اختلاف ضروری می‌داند، اتخاذ کنند و ممکن است درخواست ارائه ضمانت نامه مناسب در مورد اقدام انجام شده را بدهد.^۱

این تصمیم مطابق مقررات قانون فدرال شماره (۱۱) سال ۱۹۹۲ در مورد آیین دادرسی مدنی و اصلاحات آن اجرا می‌شود. تصمیم کمیته داوری با تأیید اکثریت اعضای آن صادر می‌شود و در صورت اجازه سایر اعضای این تصمیم، تصمیمات مربوط به امور رویه‌ای توسط رییس کمیته صادر می‌شود. رأی داوری با دلیل صادر می‌شود مگر اینکه طرفین اختلاف توافق کنند که دلایل را توضیح ندهند، یا اینکه تصمیم با شرایط توافق شده مطابق با مفاد ماده (۴۱) این سیستم صادر نشده است. مراحل داوری با صدور رأی داوری یا براساس حکمی که کمیته برای فسخ آن در موارد زیر صادر می‌کند، پایان می‌یابد:

۱- انصراف شاکی از درخواست خود برای ارجاع اختلاف به داوری یا عدم حضور وی در جلسه دادرسی و دادرسی بدون عذر کتبی قابل قبول کمیته؛

۲- توافق دو طرف برای خاتمه دادرسی؛

۳- کمیته متقاعد شده است که ادامه رویه‌ها به هر دلیلی غیرضروری یا غیرممکن شده است. هر یک از طرفین اختلاف می‌تواند ظرف (۱۵) پانزده روز از تاریخ دریافت رأی داوری، از کمیته درخواست کند تا اشتباهات مادی، ریاضی یا تاپیی را که ممکن است در تصمیم گیری رخ داده باشد، یا هر خطای دیگر را اصلاح کند، و او ممکن است همچنین از آن بخواهد تا نکته خاصی را در این رأی توضیح دهد. تصمیم یا صدور رأی اضافی در رابطه با ادعاهایی که با رأی داوری نادیده گرفته شده است. اگر کمیته تشخیص دهد که این درخواست موجه است، پس از (۱۵) روز از تاریخ دریافت درخواست، تصحیح یا صدور تفسیر می‌کند و تفسیر بخشی از تصمیم داوری خواهد بود. کمیته می‌تواند با ابتکار عمل خود، ظرف مدت (۱۵) روز از تاریخ صدور حکم داوری، خطای مربوط به ماده مندرج در ماده (۴۵) این سیستم را اصلاح کند. در صورت لزوم ممکن است مدت زمان اصلاح، ارائه توضیح یا صدور رأی داوری اضافی را تمدید کند.

درخواست تجدیدنظر در مورد تصمیم داوری، رأی داوری فقط با درخواست ابطال یا ابطال قابل تجدیدنظر است و این درخواست به دادگاه مدنی ذی صلاح تسلیم می‌شود که در موارد زیر قدرت لغو رأی را دارد:

- ۱- عدم اطلاع صحیح از درخواست ابطال انتصاب کمیته یا مراحل داوری، یا عدم توانایی وی در ارائه پرونده خود به کمیته به دلیل قانع شده توسط دادگاه، به متقاضی؛
- ۲- رأی داوری موارد خارج از محدوده اختلاف ارائه شده را در معرض دید قرار می‌دهد. اما، اگر بتوان تصمیمات مربوط به موضوعات ارسالی به داوری را از آنچه قبل از آن نیست جدا کرد، فقط قسمت مربوط به موارد ارائه نشده می‌تواند از رای داوری حذف شود؛
- ۳- نقض قوانین مربوط به تشکیل کمیته یا رویه‌های دنبال شده در داوری؛
- ۴- رأی داوری با نظم عمومی مغایرت دارد.

درخواست لغو رای داوری پذیرفته نخواهد شد اگر این درخواست پس از گذشت (۳۰) روز از زمان دریافت تصمیم لغو توسط متقاضی، ارسال شود. دادگاه مدنی صالح، بنا به درخواست خود برای لغو رای داوری می‌تواند از کمیته بخواهد هر اقدامی را که منجر به از بین رفتن دلایلی شود که درخواست ابطال را بر اساس آن انجام می‌دهد، انجام دهد. ارائه درخواست به دادگاه مدنی صالح برای لغو رأی داوری منجر به توقف اجرای آن رأی نمی‌شود مگر اینکه این دادگاه صریحاً تصمیم به تعلیق اعدام بگیرد.^۱

۵- تشکیل هیات داوری برای رسیدگی به جرایم بورس و اوراق بهادار در ایران و امارات

چون بورس اوراق بهادار محلی جهت خرید و فروش اوراق می‌باشد امکان بروز اختلاف بین طرفین معامله وجود دارد و برای حل و فصل اختلافات در معاملات بورس وجود نهادی برای این امر لازم به نظر می‌رسید. مواد ۱۷ و ۱۸ قانون بورس اوراق بهادار هیأت داوری را بعنوان یکی از چهار رکن بورس ایران بیان نموده است. علی‌رغم بازنگری قانون تاسیس بورس در سال ۱۳۸۴، کماکان هیئت داوری بعنوان رکنی از ارکان بورس جایگاه خود را هر چند با تغییراتی حفظ نموده و به فعالیت خود ادامه می‌دهد.^۲

دو خصوصیت بارز داوری در ماهیت قراردادی و طرق خصوصی حل و فصل اختلافات است. اگرچه ارجاع به امر داوری علی‌الاصول اختیاری یعنی مبتنی بر توافق طرفین است، ولی در عین حال در بعضی موارد قانونگذار درخواست یکی از طرفین در ارجاع به امر داوری را کافی دانسته است. قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۶ را می‌توان بعنوان مثال ذکر نمود.^۳

^۱ پیشین

^۲ حبیبی مجنده، محمد؛ قلی پور، محمدرضا، ۱۳۹۳، داوری پذیری موضوعی اختلافات در حقوق ایران، دانشگاه مفید، قم، ص

۴۳

^۳ شمس، عبدالله، ۱۳۸۴، آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، تهران: دراک، ج ۲، ش ۸۶۸، ص ۵۲۱.

ارجاع اختلاف به هیأت داورى بورس به حکم قانون صورت می‌گیرد و جنبه قراردادی ندارد. داورى در بورس را حتى نمی‌توان از مصادیق داورى اجبارى دانست زیرا این تفاوت مهم میان هیأت داورى بورس و داورى اجبارى وجود دارد که رأی داور اعتبار خود را از توافق اراده طرفین می‌گیرد و در صورت مخدوش بودن اعتبار این توافق، اعتبار رأی داور نیز فرو می‌ریزد،^۱ در حالی که اعتبار رأی هیأت داورى بورس به موجب قانون است.

از سوى دیگر داورى جنبه خصوصى دارد، در حالی که اعضاى هیأت داورى بورس افراد حقوق خصوصى نیستند و طرفین در انتخاب آنها نقشی ندارند. لذا هیأت داورى بورس را نمی‌توان یک مرجع داورى در اصطلاح خاص حقوقی آن دانست. در برخی از کشورها هیأت داورى بورس در برخی موارد واقعاً ماهیت داورى دارد.

ماهیت داورى اولاً یک مرجع قضایى است، ثانیاً با توجه به اینکه قضات آن بطور کامل توسط قوه قضاییه منصوب نمی‌گردند، مرجعی غیر دادگستری است.^۲ ثالثاً این مرجع، مرجعی اختصاصی است زیرا صلاحیت آن منجر به مواردی است که به موجب قانون بر عهده آن گزارده شده است. نتیجه اینکه هیأت داورى در بورس ایران دارای ماهیت قضایى است و از مراجع اختصاصی غیر دادگستری بشمار می‌آید. در بازار اوراق بهادار ایران، اصل اولیه بر حل اختلاف از طریق مصالحه و سازش، درون سازمان است و در صورت عدم حصول سازش، مسئله به هیأت داورى سازمان بورس ارجاع خواهد شد. پس کانون‌ها به مانند مراجع بدوی اند و در صورت صدور گواهی عدم سازش، مسئله به هیأت داورى سازمان بورس ارجاع خواهد شد که یکی از موارد سه‌گانه «داورى اجبارى یا تکلیفی» در ایران تلقی می‌شود.

تصمیم شماره (۷) سال ۲۰۰۰ در مورد سیستم داورى در اختلافات ناشی از تجارت در اوراق بهادار امارات که حل اختلافات ناشی از تجارت در اوراق بهادار و کالاها در مواردی که طرفین در این مورد توافق می‌کنند، با داورى تصمیم‌گیری می‌شود و مفاد این سیستم در این زمینه اعمال می‌شود. قانون شماره ۶ فدرال امارات با توجه به موقعیت امارات به عنوان یک مرکز تجارى بزرگ و کشور میزبان برای سرمایه‌گذارى خارجى، داورى به بهترین روش برای حل و فصل اختلافات تجارى تبدیل شده است. بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجى ترجیح می‌دهند اختلافات خود را به کمیته‌های داورى منتقل کنند.

۶- صدور رأی مربوط به رسیدگی به جرایم بورس و اوراق بهادار در ایران و امارات متحده
مراجع قضایى، دولتی و حکومتی بوده و جزء نظام قضایى محسوب می‌شوند. این مراجع دارای صلاحیت گسترده و عام در رسیدگی به دعاوى هستند و آراء این مراجع از اعتبار امر مختومه و اعتبار امر مطروحه

^۱ (دک بند ۷ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنب و بند ب قسمت ۱ ماده ۳۳ قانون داورى تجارى بین‌المللی).

^۲ شمس، پیشین، ص ۸۱، ش ۸۹.

برخوردار بوده و مشمول قاعده فراغ دادرسی می‌شوند. رسیدگی در مراجع قضایی عموماً دو مرحله‌ای است و از آیین دادرسی مشخص و الزام‌آوری تبعیت می‌نمایند. قضات دادگستری دارای شرایط خاص می‌باشند که در قانون پیش بینی شده و در صورتی که دعوی در دادگاه مطرح شود حضور در دادگاه و پاسخ به دعا برای خوانده الزامی بوده در غیر این صورت رأی علیه وی صادر خواهد شد. مراجع قضایی دارای صلاحیت انحصاری در رسیدگی به برخی از دعاوی مانند ورشکستگی بوده و امور حسبی نیز در صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها و محاکم دادگستری است.

با وجود این که داوری جزء نهادهای دولتی محسوب نمی‌شود و داوران منتخب طرفین اختلاف می‌باشند، آیا آراء صادره توسط داوران از اعتبار قضیه محکوم بها و امر مختومه برخوردار است، قانون آیین دادرسی مدنی به این موضوع اشاره‌ای نکرده است. ولی حقوقدان‌ها رأی داوری را واجد اعتبار امر مختومه تلقی می‌کنند.^۱ در توجیه برخورداری رأی داور از اعتبار امر مختومه گفته شده که: «بنا بر نظر مشهور، قرارداد داوری نوعی وکالت است. به موجب این قرارداد اشخاص به وکلای خود اختیار می‌دهند که درباره اختلافات آنها داوری کنند. رأی داور درباره طرفین دعا و قائم مقام آنها نافذ است، ولی این نفوذ فقط ناشی از اراده ایشان است، اگر قبول کنیم که قرارداد در روابط بین طرفین به منزله قانون و الزام آور است، طبیعتاً وقتی که دو نفر به میل خویش داوری شخصی را گردن نهادند، اطاعت از رأی او بر آنان واجب می‌شود».^۲

در مورد هیأت داوری بورس چه آن را داوری تلقی کرده یا یک نوع مرجع رسیدگی اختصاصی محسوب کنیم، آراء آن واجد اعتبار امر مختومه است لذا از این جهت تفاوتی بین هیأت و نهاد داوری وجود ندارد.

در داوری اصطلاحی مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین المللی رسیدگی داوران یک مرحله‌ای است و امکان تجدیدنظرخواهی و رسیدگی مجدد در رأی داوری وجود ندارد. امکان اعتراض به رأی داور و درخواست ابطال امکان پذیر است که کیفیت آن در قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده است و دادگاه در صورت وجود جهات ابطال، رأی داور یا داوران را ابطال می‌نماید اما در خود داوری بر خلاف رسیدگی قضایی، دو مرحله رسیدگی بدوی و تجدید نظر وجود ندارد. در مورد قابل تجدیدنظر یا قطعی بودن آراء هیأت داوری بورس اختلاف نظر وجود دارد. لذا اگر قائل به قابل تجدید نظر بودن آراء این هیأت باشیم، از این جهت نیز هیأت داوری از داوری اصطلاحی متمایز می‌گردد.

^۱ شمس، عبدالله، ۱۳۸۱، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران، نشر دراک، ص ۵.

^۲ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۴۴، اعتبار قضیه محکوم بها در امور مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹.

۷- فرآیند صدور و اعتراض به رای بدوی در ایران و امارات

آیا دیوان عدالت اداری می‌تواند به شکایات و اعتراضات مردم نسبت به تصمیمات و اقدامات سازمان بورس و اوراق بهادار که مهمترین این اقدامات صدور یا تأیید دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌های نهادها یا تشکل‌های خود انتظام می‌باشد، رسیدگی کند دو پاسخ برای این سوال قابل تصور است:

۱- اگر به ظاهر قانون تفسیر ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در رابطه با قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی (۱۳۷۴) اتکا شود، دیوان عدالت اداری برای رسیدگی به شکایات مردم نسبت به تصمیمات و اقدامات سازمان بورس و اوراق بهادار صلاحیت ندارد، چون این قانون رسیدگی به شکایات مردم از تصمیمات و اقدامات مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی مذکور «در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» را در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار داده است و سازمان بورس و بهادار جزء نهادهای مذکور در قانون فوق نیست.

۲- قانونگذار با تصویب قانون تفسیر ماده ۱۱ قانون د. ع. ا در رابطه با قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی اراده‌ی خود را مبنی بر صلاحیت د. ع. ا جهت رسیدگی به تصمیمات و اقدامات مؤسسات عمومی غیردولتی اعلام کرده است. بنابراین، هدف مقنن از تصویب این قانون محدود و منحصر کردن صلاحیت دیوان به نهادهای مذکور در قانون نیست، بلکه در مقام توسعه دادن نظارت دیوان بر اقدامات و تصمیمات نهادهای عمومی غیردولتی بوده است.

در مقام ارزیابی دو نظر باید گفت که دیدگاه اول از آنجایی که مطیع و منقاد نص قانون است، با منطبق حقوق سازگارتر به نظر می‌رسد. ولی در یک دید کلی‌تر و البته نقادانه، اتخاذ نظر اول تبعیض ناروایی را بین نهادهایی که ماهیت حقوقی مشابه دارند، موجب می‌شود. حال که دیدیم بین دو استدلال ارجحیتی وجود ندارد، باید اضافه کنیم که رویه ثابتی در این زمینه هنوز شکل نگرفته است؛ هر چند که تمایل بیشتر به این سمت است که دیوان عدالت اداری را در این امور صالح به رسیدگی می‌دانند.^۱

بخش صالح در رسیدگی، به منظور شروع مراحل بررسی شکایت در امارات بر اساس ماده ۲۰ تصمیم شماره ۴۵ سال ۲۰۱۶ در مورد سیستم رسیدگی به شکایات مربوط به بازار معاملات، تمام اقدامات ممکن را انجام می‌دهد. ماده ۲۴ تصمیم اداری شماره ۴۵ سال ۲۰۱۶ در خصوص تصمیم‌گیری در مورد شکایت می‌گوید:

۱- ظرف سه ماه از تاریخ ثبت شکایت، بخش صالح باید یک یادداشت کتبی به مدیر عامل - از طریق معاون اجرایی بخش - که شامل شرح موضوع شکایت و خلاصه‌ای از در این دوره، دوره‌های اعلان‌ها و پاسخ‌های موجود در این سیستم محاسبه می‌شود.

^۱ دادنامه شماره ۱۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تاریخ ۱۳۹۱/۳/۸ در رابطه با دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد (برگرفته از روزنامه ندیای اقتصاد، مورخه شنبه ۳ تیر ۱۳۹۱).

۲- مدت تعیین شده در بند(۱) این ماده یک دوره نظارتی تلقی می‌شود که هرگونه اقدام در این شکایت با نقض آن خنثی نمی‌شود.

۳- تصمیم توسط مدیر عامل صادر می‌شود و اداره مربوطه تصمیم‌گیری را به طرفین شکایت اطلاع می‌دهد.

بدون تعصب مفاد سیستم شکایت از تصمیمات مربوط به معاملات بازار پول؛ اجرای تصمیم صادر شده توسط مقام در شکایت با توجه به موارد فنی تحت نظارت بازار مربوطه خواهد بود و در همه موارد اجرا با نظارت مرجع انجام می‌شود مشروط بر اینکه بازار و مجری در برابر آن، مرجع را از اثر کامل اجرا مطلع می‌سازد.^۱

اختلافات و دعاوی مدنی اصولاً در صلاحیت عام شعب حقوقی دادگستری است؛ از این رو به نظر برخی، دعوی عبارت است از مراجعه شخصی به دادگاه‌های دادگستری و ادعای حقی از طرف او علیه دیگری به جهتی از جهات قانونی و ابلاغ آن به خوانده و شروع به رسیدگی به آن در دادگاه. انتقاد بر تعریف مزبور، عدم اشاره به ماهیت مدنی از یک سو و تقیّد آن به دادگاه‌های دادگستری از سوی دیگر است؛ زیرا ممکن است مرجع اقامه و رسیدگی به دعوا مرجعی غیر از دادگاه‌های دادگستری باشد. حل اختلاف مدنی از سوی مرجعی به جز نهاد دادگستری امری است که همواره مورد استقبال قانونگذار بوده است. ایجاد این مراجع در کشور ما رو به گسترش است. یکی از مسائل مهم دادرسی، اعتراض به آرای صادره است. اعتراض به مفهوم اعم شامل تمام روش‌های اعتراضی از قبیل: تجدیدنظرخواهی، فرجام خواهی، و خواهی، اعتراض ثالث و اعتراض به مفهوم خاص مانند اعتراض به بهای خواسته و اعتراض به قرار تأمین خواسته است. این موضوع منحصر به دادگاه‌های دادگستری نیست و در مورد آرای سایر مراجع غیردادگستری و داوری نیز موضوعیت دارد. با توجه به ترویج داوری به عنوان مهمترین شیوه شبه قضایی حل اختلافات تجاری در سال‌های اخیر، بازندگان از اعتراض به رأی در هر مرجعی که احتمال کسب امتیازی بدهند؛ تردید نمی‌کنند. از این رو قابلیت اعتراض و مرجع صالح برای این امر از مسائل مهم دادرسی است که باید شفاف باشد.

هیأت مدیره بازار اوراق بهادار امارات در ماده ۲۷ قانون شماره ۴ فدرال سال ۲۰۰۰ مجازات‌هایی را اعمال می‌نماید که اعتراض به تصمیمات هیأت مدیره در مورد مجازات‌های مندرج و نیز تجدیدنظر در دادگاه بر اساس مواد ۲۸ و ۲۹ همان قانون مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ماده ۲۸، اعتراض به تصمیمات

قرار اداری رقم (۴۵/ت.ر) لسنة ۲۰۱۶ بشأن نظام نظر الشكاوى المتعلقة بعمليات أسواق المال ، ترجمه تصمیم اداری شماره ۴۵ سال ۲۰۱۶ در مورد سیستم رسیدگی به شکایات مربوط به معاملات بازار پول، صص ۹-۱۱. (مواد ۲۰ الی ۲۴).
^۲ هرمزی، خیراله، ۱۳۹۲، تغییر عناصر دعوی: شرحی بر ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره سوم، ص ۱۲.

هیأت مدیره بازار در مورد مجازات‌های مندرج در بندهای (۱) و (۲) ماده (۲۷)^۱ این قانون ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ مرجع حقوقی و اعتباری توسط مرجع اداری قابل طرح است. تصمیم در شکایت نهایی خواهد بود. در ماده ۲۹ بیان می‌دارد: تجدیدنظر در دادگاه صالح در تصمیمات مربوط به مجازات‌های مندرج در بندهای (۳) و (۴) ماده (۲۷) و همچنین تصمیمات صادر شده توسط مرجع برای نوشتن واسطه‌ها طبق این قانون مجاز است و فرجام خواهی در این موارد ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ رأی مجازات خواهد بود. به استثنای رأس الخیمه، آراء صادره از سوی دادگاه تجدید نظر را می‌توان در دادگاه عالی (دیوان عالی) تجدید نظر خواهی نمود که البته صرفاً ابعاد حقوقی پرونده (از جمله تفسیر نادرست از قانون، ناکافی بودن ادله، عدم رعایت مراحل قانونی و...) را بررسی می‌نماید. معمولاً پس از گذشت هفته‌ها یا در برخی موارد، ماه‌ها از زمان ارجاع پرونده، دادگاه عالی اقدام به برگزاری جلسه رسیدگی می‌نماید. معمولاً رسیدگی به پرونده‌ها در این دادگاه مانع از اجرای رأی صادره از سوی دادگاه تجدید نظر نخواهد گردید.

۸- نقاط ضعف و قوت رسیدگی به جرایم مرتبط با بورس اوراق بهادار در ایران و امارات

قانون بازار اوراق بهادار سال ۱۳۸۴ در ایران با رویکردی بر مبنای نظارت، شفاف سازی و رفع موانعی که باعث عدم توسعه در بازار می‌گردد، هم جهت با دیگر کشورها و با الگو برداری از قوانین آمریکا تصویب گردید. مقررات در جهت هرچه بهتر اجرایی شدن نیاز به ضمانت اجرایی کامل دارند تا نقض نگردند. پس ضمانت اجرایی موثر همانگونه که یک ضرورت اجتماعی است همواره به‌عنوان یک ضرورت اقتصادی نیز لازم می‌باشد. ضمانت اجرای کافی و موثر در قانون بورس اهمیت است زیرا اجرای این قانون به صورت مستقیم با حقوق و اموال سرمایه‌گذاران ارتباط دارد و عدم شناخت خریدار و فروشنده در انجام معاملات معمولاً ریسک انجام ندادن تعهد را بالا می‌برد پس اگر بازاری ضمانت اجرا و حمایت‌های لازم قانونی را نداشته باشد تاثیر خود را بر اقتصاد و جامعه خواهد گذاشت. از جمله نوآوری‌های بازار اوراق بهادار می‌توان به جرم‌انگاری‌های جدید و به‌وجود آوردن عناوین نوین مجرمانه (فصل ششم این قانون) اشاره کرد.^۲

^۱ ماده ۲۷: هیأت مدیره بازار ممکن است هر یک از مجازات‌های زیر را به دلالت اعمال کند:
۱. هشدار ۲. جریمه ای که بیش از صد هزار درهم نباشد. ۳. ضبط ضمانت نامه بانکی، به طور جزئی یا کامل. ۴. تعلیق کارگزار از کار برای یک دوره بیش از یک هفته. اگر مدت تعلیق از یک هفته بیشتر شود، موضوع به کمیسیون ارجاع می‌شود تا آنچه را مناسب می‌داند انجام دهد. ۵. توصیه به مرجع برای حذف کارگزار از ثبت نام کارگزاران مجاز در بازار.
^۲ نیازپور، امیرحسین، ۱۳۹۶، تکالیف سازمان بورس اوراق بهادار در زمینه پیشگیری از جرم، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۲، ص ۳۲۸.

قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران بر گرفته از گذشته تاریخی و اقتصادی کشورهای است که از آنان الگو برداری شده، پس باید اینگونه سوابق اقتصادی و تاریخ کشورهای رانشناخت و در راستای سازگاری با شرایط کشور اقدامات لازم را به عمل آورد تا اثر بخشی و کارایی این گونه قوانین در کشور بهتر و بیشتر باشد. بی توجهی به مبانی علمی جرم انگاری در بازار سرمایه و تبعیت نکردن از سیاست کیفی مشخص در این حوزه، و در نهایت تناسب نداشتن جرم و مجازات، موجب کارایی نداشتن ضمانت اجرای مقرر در قانون بازار اوراق بهادار گردیده است.^۱

در خصوص جرایم ارتكابی در بازار اوراق بهادار قاضی بر اساس مواد ۴۶ و ۴۹ قانون بین سه نوع مجازات پیش‌بینی شده با توجه به شکل مختلف ارتكاب جرم و نتایج مختلف آن، برخورد مناسبی با مرتکب داشته باشد که این نشان از گام به سمت فردی کردن مجازات و اجرای عدالت است.

نقش نهادهای نظارتی در ایجاد یک اکوسیستم نظارتی در جهت نظارت بر ریسک‌ها و چالش‌های بازار سرمایه بسیار مهم و حیاتی است؛ هماهنگی و همکاری متقابل نهادهای نظارتی در حوزه صنعت مالی یک کشور عامل بسیار مهمی در جهت کشف تخلفات احتمالی، جلوگیری از دستکاری بازار و پرهیز از بازرسی‌های زیاد و موازی است. به این ترتیب با توجه به افزایش حجم معاملات، استفاده از ابزارهای معاملاتی جدید، افزایش تعداد سرمایه‌گذاران و افزایش شعب شرکت‌های کارگزاری در سال‌های اخیر، لزوم ایجاد یک سیستم یکپارچه و پیشرفته برای نظارت بر کلیه معاملات اوراق بهادار و فعالیت شرکت‌های کارگزاری ضروری است. استفاده از چنین سیستم یکپارچه‌ای باعث می‌شود تا از حجم نظارت‌های زیاد، منفرد و جزیره‌ای کاسته شود و با استانداردهای نظارتی در سطح جهان همسو شویم.

تصویب قانون بازار اوراق بهادار و به ویژه فصل ششم آن از نظر مبارزه با جرایم و مفساد اقتصادی پیشرفتی رو به جلو محسوب می‌گردد، لیکن در نظر گرفتن مجازات حداقلی برای مرتکبین جرایم بورسی تا حدودی از میزان اهمیت این جرایم نزد عموم کاسته است. قانون مجازات اسلامی با تغییرات اساسی در بخش کلیات، مانند درجه بندی مجازات‌های تعزیری، مسئولیت کیفری مؤثر و . . . و نیز با ایجاد نهادهای جدید دادرسی مانند جایگزین حبس، نظام نیمه آزادی، تعویق صدور حکم، نظام توبه و . . . تأثیر بسزایی بر مجازات جرایم بورسی داشته است. حبس زدایی که به نظر می‌رسد از اهداف اصلی مقنن در تصویب قانون مجازات اسلامی است بر قانون بازار اوراق بهادار نیز سایه انداخته و موجب کم رنگ تر شدن مجازات‌های حداقلی مقرر در این قانون شده است. مجازات‌های در نظر گرفته شده برای مرتکبین اکثر جرایم بورسی بر اساس تقسیم بندی مقرر در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، از مجازات‌های تعزیری درجه ۶الی^۸ (جرایم سبک با مجازات‌های سبک) محسوب می‌گردد. تغییر تعریف محکومیت کیفری مؤثر

^۱ باقری، محمود، نصر الهی، علی، ۱۳۹۵، کارایی اقتصادی ضمانت اجرای کیفری قانون بازار اوراق بهادار، مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۶، شماره ۲، ص ۳۲.

در قانون مجازات اسلامی که تأثیر مستقیمی بر مرتکبین جرایم بورسی داشته و موجب مؤثر محسوب نشدن مجازات‌های مرتکبین جرایم بورسی شده است. لذا با توجه به تخفیفات قانونی در نظر گرفته شده در قانون مجازات اسلامی برای مرتکبین جرایم تعزیری متوسط و سبک (جرایم تعزیری درجه ۶ الی ۸)، همان اثرات اربعی حداقلی نیز در اجرای مجازات‌ها از بین خواهد رفت و عملاً موجب بی‌اعتباری مجازات‌های در نظر گرفته شده برای مرتکبین این جرایم می‌گردد. لذا با توجه به اهمیت جرایم اوراق بهادار شایسته است تا قانونگذار با اهمیت به این جرایم و خطرات آن برای اقتصاد جامعه، نسبت به تشدید مجازات در این خصوص اقدام نماید.

نکته دیگر در بررسی جرایم بورسی، عدم ذکر این جرایم در زمره جرایم اقتصادی (موضوع بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی) است. شایسته است قانونگذار با اصلاح مقررات مربوط به جرایم اقتصادی، جرایم بورسی را نیز مشمول این قسم جرایم دانسته، که در این صورت نه تنها اهمیت جرایم بورسی بیش از پیش مشخص می‌شود، بلکه اقتصادی محسوب شدن آن‌ها می‌تواند از اجرای برخی تأسیسات ارفاقی مطرح در قانون مجازات اسلامی جلوگیری نماید.

عدم ایجاد آثار قابل انتظار در اجرای مجازات مرتکبین جرایم بورسی؛ تعیین مجازات‌های حداقلی برای عدم تناسب جرایم بورسی با مجازات‌های قانونی اثرات واکنش‌های اجتماعی در قبال جرایم بورس و اوراق بهادار در قالب رسیدگی به تخلفات و جرایم که به عنوان یکی از نقاط ضعف در این حوزه است. در بررسی قانون بازار اوراق بهادار امارات می‌توان دریافت که هرچند بهره‌برداری از اطلاعات منتشر نشده به منظور حفاظت از سرمایه‌گذاران در برابر نقض اصول بازار و گسترش اعتماد به نفس در فروشندگان، مستحق ممنوعیت است، اما با بررسی ماده ۳۷ قانون فدرال شماره ۴ سال ۲۰۰۰ در مورد اداره اوراق بهادار و کالاهای امارات مقرر کرده است که: "بهره‌برداری از اطلاعات غیرعمومی که ممکن است بر قیمت اوراق بهادار تأثیر بگذارد برای دستیابی به منافع شخصی و هرگونه اقدام مغایر با قانون مجاز نیست. این فاقد اعتبار است. "به نظر می‌رسد که این متن ناکافی است زیرا فقط "اطلاعات" را بدون مراجعه به "داده‌های مالی" بیان می‌کند. اگرچه قصد قانونگذار از ضرورت ممنوعیت اطلاعات و داده‌ها روشن است، متن صریح منع بهره‌برداری از "اطلاعات" یا "داده‌ها" ضروری است، به ویژه در متن که با مجازات همراه است این توضیحات را تکمیل نمی‌کند. در حالی که اطلاعات امارات متحده عربی فناوری جرایم قانون شماره ۵ از ۲۰۱۲ تعریف "محتوا" و "اطلاعات، داده‌ها و خدمات الکترونیکی؛ این یک تعریف جامع است که به نظر باید توسط قانونگذار امارات متحده عربی در مورد تعریف محتوای قابل بهره‌برداری در قانون مرجع اتخاذ شود."^۱

۱. ماده ۱، قانون جرائم فناوری اطلاعات امارات متحده عربی، شماره ۵ سال ۲۰۱۲، با اصلاحیه قانون شماره ۱۲ امارات برای سال ۲۰۱۶.

قانونگذار امارات متحده عربی، بهره‌برداری از کلیه اطلاعات یا داده‌های تأثیرگذار و محرمانه (ضروری) را ممنوع کرده است. تأثیر اطلاعات یا داده‌های اعلام نشده را به خود اوراق بهادار و نه با ناشران سازمانی آنها مرتبط کرده است، زیرا هدف از این اوراق بهادار بهره‌برداری است. با این وجود، متن قانونگذار امارات از نظر ذکر ویژگی محرمانگی "اطلاعات غیرعمومی" کمبود داشت.

بنابراین، باید شرط شده باشد که عمل بهره‌برداری فقط از بیانیه یا اطلاعات مخفی در زمان اجرای آن استفاده می‌کند. این زمان در دوره قبل از افشای اطلاعات یا داده‌هایی که باید افشا شود، و به طور دائم در رابطه با داده‌های محرمانه به صورت مطلق مانند داده‌های مشتری، و به ویژه به عنوان مورد تأیید دادگاه دیوان کیفری دبی نشان داده شده است: ". . . داده‌ها و سفارشات مشتری به صورت کتبی، ضبط شده از طریق تلفن یا دریافت شده توسط (شرکت کارگزاری، امور مالی) به هر طریق الکترونیکی . . . این تجزیه و تحلیل اهمیت شکاف قانونی را نشان می‌دهد که در تعیین بازه زمانی محرمانه بودن اطلاعات تأثیر دارد.^۱

در مورد شمول ممنوعیت بهره‌برداری از اطلاعات یا داده‌های اعلام نشده برای افراد داخلی و ثانویه، با توجه به اینکه متن جامع منع بهره‌برداری از اطلاعات یا داده‌ها اعلام نشده، هر شخصی را که به اطلاعات یا داده‌های خود اطلاع دهد آیا کارمند یا مدیر مجاز به مشاهده آن است یا آنچه را می‌توان، ممنوعیت دریافت کرده است، یا کسی که معمولاً اطلاعات را طریق شناس یا افشای اطلاعات به دانش او می‌رسید، این همان چیزی است که یک طرف فقه عرب آن را خودی ثانویه نامیده است.

قانون امارات متحده عربی سعی کرده است از خلاء قانونی که ممکن است حضور یک فرد داخلی ثانویه ایجاد کند، جلوگیری کند. با توجه به اینکه متن قانونی با اقدام به سمت (اصلی) به حلقه خودی‌ها محدود می‌شود، نمی‌توان بهره‌برداری از اطلاعات شخصی را که دانش (ثانویه) آن رسیده است منع کرد، قانونگذار امارات متحده عربی ممنوعیت کلی و جامع در مورد تمام افراد آگاه را با ذکر عبارت: "جایز نیست بهره‌برداری از اطلاعات غیر عمومی و این ممنوعیت در سیستم افشای اولین و فناوری اطلاعات قانون جرایم دوم وجود دارد."^۲

قانونگذار امارات متحده عربی سعی کرده است بازار سهام و کالاها را با حمایت قانونی کافی برای اطمینان از مبارزه با بهره‌برداری از اطلاعات یا داده‌های غیر علنی، با هدف تحمیل برابری بین سرمایه

^۱ تصمیم صادره در ۲۲ فوریه ۲۰۱۵ این براساس آنچه در ماده ۱۱-۱۷ قانون شرکت های واسطه گری مالی شماره ۲۷ سال ۲۰۱۴.

^۲ همام القوصی، ۲۰۱۷، مدی انتشار المطلعین الثانویین فی حظر استخدام المعلومات الداخلية فی البورصة (دراسة قانونية مقارنة بین القانون اللبناني والکویتي والفرنسی)، مجلة البحوث القانونية المتعمقة، مرکز جیل البحث العلمي (JILRC)، طرابلس لبنان، العدد ۲۰، ص ۸۹.

گذاران، که دستیابی به بالاترین سطح استانداردهای نظارتی مطابق با سازمان بین المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار^۱ را تضمین می‌کند، عمال نماید. با این حال، تحمیل برابری در اجرای متن قانون امارات خأهای زیادی دارد، از جمله نیاز به قصد سوء استفاده و صرفاً معامله بر اساس اطلاعات غیر علنی، و همچنین عدم نظم دوره ممنوعیت کامل برخورد با افراد اصلی، این خأهایی که در نهایت منجر به عدم ارائه هرگونه تضمین واقعی به سرمایه گذاران می‌شود که قربانی یکی از کسانی که با اطلاعات یا داده‌های اعلام نشده هستند در صورت وقوع حادثه که قانونگذار امارات متحده عربی از منع آن غفلت کرده، می‌شود. این امر منجر به ظهور حالت برابری غیرواقعی در بورس‌های امارات متحده عربی مانند بازار دبی شده است که ممکن است در فروپاشی آنها در سال ۲۰۰۹ نقش داشته باشد. به این دلیل که از نظر منع بهره برداری از اطلاعات یا داده‌های اعلام نشده، از نظر قانونی با یک سیستم یکپارچه ایمن سازی نشده است.

نتیجه‌گیری و راهکارهای پیشنهادی رسیدگی به جرایم مرتبط با بورس اوراق بهادار در ایران

در نظام حقوقی ایران ممنوعیت ترغیب و تشویق دیگران به معامله مورد شناسایی قرار نگرفته است. مقنن ایرانی در این رابطه کاملاً سکوت نموده و حتی همان قواعد اجمالی را که در خصوص سایر ممنوعیت‌ها به کار برده را بیان نموده است. لذا هم چنان امکان استفاده غیرمستقیم از مزایای اطلاعات محرمانه توسط دارندگان آن با ترغیب دیگران به انجام معامله بر اساس اطلاعات محرمانه که در اختیار دارند، فراهم است.^۲

با توجه به اینکه مجازات‌های تعیینی در قانون بازار اوراق بهادار از نقطه نظر اصول حاکم بر حقوق جزای عمومی و اختصاصی مانند «اصل تناسب جرم و مجازات» با جرایم ارتكابی در این حوزه متناسب نمی‌باشد، تغییرات اساسی در تعیین مجازات مرتکبین جرایم بورسی ضروری می‌باشد. لذا شایسته است قانونگذار با توجه به اهمیت این جرایم و خطرات آن برای اقتصاد جامعه، نسبت به تشدید مجازات در این خصوص اقدام نماید. این تشدید مجازات می‌تواند در قالب لایحه اصلاحی قانون بازار اوراق بهادار به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و یا به عنوان ماده واحده‌ای در سایر قوانین لحاظ گردد.

نکته مهم دیگر، عدم ذکر جرایم بورسی در زمره جرایم اقتصادی (موضوع بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی) است. هر چند با توجه به معیارهای ذکر شده در این نوشتار برای تشخیص جرایم

^۱ IOSCO

^۲ بهشتی، شقایق، ۱۳۸۷، معاملات اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه با مطالعه تطبیقی در حقوق اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، صص ۶۷-۶۰.

اقتصادی، جرایم بورسی را نیز می‌توان به عنوان جرایم اقتصادی دانست ولیکن به لحاظ عدم ذکر این قسم جرایم در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، پذیرش این موضوع با مشقت روبروست. لذا شایسته است قانونگذار با اصلاح مقررات مربوط به جرایم اقتصادی، جرایم بورسی را نیز مشمول این قسم جرایم دانسته، که در این صورت نه تنها اهمیت جرایم بورسی بیش از پیش مشخص می‌شود، بلکه اقتصادی محسوب شده آنها می‌تواند از اجرای برخی تأسیسات ارفاقی مطرح در قانون مجازات اسلامی جلوگیری نماید. به هر حال به نظر می‌رسد در صورتی که قانونگذار به ضرورت اصلاح قوانین و مقررات در حوزه بازار اوراق بهادار پی نبرد و با بی توجهی در این خصوص اقدام عملی ننماید، اثرات اربعایی و بازدارندگی ضمانت اجراهای کیفری فعلی مذکور در قانون بازار اوراق بهادار به مرور کم رنگ تر شده و در نهایت از بین خواهد رفت. این بی توجهی قانونگذار می‌تواند در بلند مدت به جری شدن مجرمین بورسی دامن زده و آینده این بازار را با تهدیدات و مخاطرات جدی مواجه نماید.

پیشنهاد می‌گردد در جهت برقراری تناسب بین مجازات در قانون و جرایم ارتكابی، ضمانت‌های اجرای کیفری به سمت تشدید در مجازات‌ها در قانون پیش رود تا باعث کارایی و بازدارندگی لازم گردد زیرا علت اصل و انگیزه ارتكاب جرم در بازار کسب مال است و گام برداشتن به سمت ضمانت اجراهای مالی دارای اثر بخشی بهتری در راستای بازدارندگی در جرایم ارتكابی خواهد شد و در صورت اثر بخش نبودن و عدم بازدارندگی از سایر مجازات‌ها استفاده نماید.

در نگرش اقتصادی، مجازات نقدی سود بیشتری نسبت به سایر مجازات‌ها دارد و هزینه‌های اجرایی این مجازات نسبت به سایر مجازات‌ها بسیار کمتر است. در هریک از مصادیق جرایم بورسی، باید ارزیابی هزینه - فایده صورت گیرد تا ضمانت اجرای بهینه تعیین شود. در هر صورت، آنچه بیشترین اهمیت را دارد، حمایت از منافع عموم است؛ حتی اگر گاه به ضرر افراد باشد. این رویه را پیش از این نیز قانون گذار به کار برده است. پس بهتر است قوانین به گونه‌ای تصویب شود که بیشترین کارایی را داشته باشد و بیشترین نفع را به جامعه برساند.

بحث ادله اثبات جرایم بورسی و آئین دادرسی مواردی است که اشاره‌ای در قانون بازار اوراق بهادار بدان نشده است. با توجه به پیچیدگی جرایم بورسی که با دلایل سنتی چون شهادت، اقرار و... قابل اثبات نخواهد بود و نیاز به مستندات و دلایل جدید می‌باشد. بر فرض مثال از نرم افزارها در این زمینه جهت کشف تقلب و جرایم می‌توان استفاده نمود.

با وجود سرعت، پیچیدگی و گسترش بازارهای اوراق بهادار، نیاز مبرمی به قوانین جدید وجود داشته است. از یک طرف گسترش سریع بازارها، فرصت‌های جدیدی را برای سوء رفتارهای احتمالی ایجاد کرده است. برای مثال، یک بازیگر متخلف که به دنبال دستکاری بازار برای منافع شخصی است، اکنون ممکن است به دنبال مخفی کردن این سوء رفتار از طریق گسترش و پخش سفارشات در دفاتر معاملاتی مختلف، استفاده از بازارها و ابزارهای مختلف مرتبط با هم و استفاده از یک تابع معاملاتی خودکار باشد.

در نتیجه ناظران و قانون‌گذاران بازار دیگر نمی‌توانند یک شرکت، یک دفتر معاملاتی یا یک ابزار مالی را به‌صورت مجزا نظارت کنند. در این بین نقش نهادهای نظارتی بر صنعت مالی می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای در جهت شفافیت و کارایی هر چه بیشتر بازار باشد.

منابع

- ایزد پوری، ابراهیم، ۱۳۹۹، قوانین و مقررات بورس «همراه با راهنمای پذیرش شرکت‌ها در بورس و فرابورس ایران»، انتشارات مجد.
- باقری، محمود، نصر الهی، علی، ۱۳۹۵، کارایی اقتصادی ضمانت اجرای کیفی قانون بازار اوراق بهادار، مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۶، شماره ۲.
- بهشتی، شقایق، ۱۳۸۷، معاملات اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه با مطالعه تطبیقی در حقوق اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۰، ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم، تهران: گنج دانش، واژه ۲۲۵۳.
- جلالیان، عسگر، شریفی، وحید، ۱۳۹۳، نظام حقوقی رسیدگی به تخلفات بورس در ایران، چاپ ۱، تهران: انتشارات دادگستر.
- حبیبی قبادیان، نشاط، ۱۳۹۷، راهکارهای بهبود مقررات گذاری و نقش آن در توسعه بازار بورس، ناشر قانون یار.
- حبیبی مجنده، محمدقلی پور، محمدرضا، ۱۳۹۳، داوری پذیری موضوعی اختلافات در حقوق ایران، دانشگاه مفید، قم.
- دادنامه شماره ۱۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۸ در رابطه با دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد (برگرفته از روزنامه دنیای اقتصاد، منتشر شده مورخه شنبه ۳ تیر ۱۳۹۱).
- شمس، عبدالله، ۱۳۸۴، آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، تهران: دراک، ج ۳، ش ۸۶۸.
- شهبازی، محمدحسین، ۱۳۹۷، قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱ با اصلاحات بعدی، انتشارات موسسه مطالعات حقوقی دکتر محمدحسین شهبازی.
- صابر، محمدرضا، ۱۳۹۹، اختلافات بورسی در پرتو آرای هیأت داوری، انتشارات دادگستر.
- صابر نیا، مصطفی، ۱۳۸۷، ماهیت فقهی و حقوقی اوراق مشارکت، دانشگاه مفید.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، اعتبار قضیه محکوم بها در امور مدنی، انتشارات دانشگاه تهران.
- نیازپور، امیرحسین، ۱۳۹۶، تکالیف سازمان بورس اوراق بهادار در زمینه پیشگیری از جرم، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۲، ص ۳۲۸.

- هرمزی، خیراله، ۱۳۹۲، تغییر عناصر دعوی: شرحی بر ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی»، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره سوم.

منابع عربی

- تصمیم صادره در ۲۲ فوریه ۲۰۱۵. این براساس آنچه در ماده ۱۱-۱۷ قانون شرکت‌های واسطه‌گری مالی شماره ۲۷ سال ۲۰۱۴.
- قانون جرائم فناوری اطلاعات امارات متحده عربی، شماره ۵ سال ۲۰۱۲، با اصلاحیه قانون شماره ۱۲ امارات برای سال ۲۰۱۶.
- قرار اداری رقم (۴۵/ت.ر) لسنة ۲۰۱۶ بشأن نظام نظر الشكاوى المتعلقة بتعاملات أسواق المال، ترجمه تصمیم اداری شماره ۴۵ سال ۲۰۱۶ در مورد سیستم رسیدگی به شکایات مربوط به معاملات بازار پول، صص ۹-۱۱. (مواد ۲۰ الی ۲۴).
- قرار رقم (۷) لسنة ۲۰۰۰ بشأن نظام التحكيم في المنازعات الناشئة عن تداول الأوراق المالية والسلع، ترجمه تصمیم شماره (۷) سال ۲۰۰۰ در مورد سیستم داورى در اختلافات ناشی از تجارت در اوراق بهادار و کالاها در امارات.
- همام القوصی، ۲۰۱۷، مدى انتشار المطلعين الثانويين في حظر استخدام المعلومات الداخلية في البورصة (دراسة قانونية مقارنة بين القانون اللبناني والكويتي والفرنسي)، مجلة البحوث القانونية المتعمقة، مركز جيل البحث العلمی (JILRC)، طرابلس لبنان، العدد ۲۰.



Investigating stock market violations and crimes in Iran and the United Arab Emirates

Mohammad Kamali *
Naser Ghasemi **
Behzad Razavifard ***

Abstract

Just as identifying violations and crimes in the stock exchange is important, in the next stage, the process and manner of dealing with such violations and crimes is important because by identifying the weaknesses and strengths in dealing with these matters, we can realized its effectiveness. In dealing with disputes in the market, the jury and in the violations section of the Committee to investigate violations and in the field of crimes are the judicial authorities. This study aims to review the process of dealing with violations and crimes of stock exchanges and securities in Iran and the United Arab Emirates and to evaluate its strengths and weaknesses. Basically, the system of dealing with violations and crimes related to the stock exchange is very important in order to effectively support these guarantees in different countries, among which, a comparative study of the system of investigating crimes and violations in Iran and the United Arab Emirates is the subject of research.

Keywords

Stock market violations, stock market crimes, securities, Iranian legal system, UAE legal system.

* PhD student in criminal law and criminology, Faculty of Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates. mohammadkamalish@gmail.com

** Associate Professor, Department of Humanities, Faculty of Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates (corresponding author): dr.ghasemi76@gmail.com

*** Associate Professor, Department of Humanities, Faculty of Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. razavifard@atu.ac.ir